

هو الله - يا من ادبه الله لنشر نفحاته و اثبات القلوب...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



۶۷

هو الله

يا من ادبه الله لنشر نفحاته و اثبات القلوب الضعفاء على عهده و ميثاقه و القيام على خدمة امره قد تلوت آيات شوقك الى الله و رتلت كتاب انجذابك الى ملكوته الابهى و لمثلك ينبغى هذا الشأن العظيم لعمر الله ان جنود التأييد مجتدة فى الملاء الاعلى و ان كئائب النصر و فيالق الغلبة لفى اهبة النزال و الكفاح فى الملكوت الابهى حتى يهاجم على مدائن القلوب و حصون النفوس و تشدد فى القتال و تبدد شمل جنود الشبهات و لكن قائد تلك الجنود يترقب النقط المهمة المنجية حتى يسوق الجيش و يزيل الطيش و يجرى تعبئة الجيش و هذه النقاط المهمة فى ميدان القتال و القلاع الحصينة فى مواقع النزال عبارة عن النفوس الكاملة و الاسود الصائلة و الصفور الصافرة و العقاب الكاسرة الهاجمة على وحوش الشبهات و ثعالب الارتياب تالله يا حبيبي ان سكان الرفرف الاعلى كل واحد يمتنى العود الى هذه الدار دار البلاء و الشقى لعله يتوفى الى خدمة الميثاق و نشر النفحات و ينسلك فى سلك افراد جيش الحياة و يحارب الوحوش الضاريات من جنود الشبهات.

در خصوص اختلاف در بين احباب از جهت تحييت مرقوم فرموده بوديد در اين امور جزئيه نبايد احباً پر پايى يكدیگر شوند تا بخود مشغول شوند و از نشر نفحات قدس و اثبات قلوب بر ميثاق باز مانند بلکه سبب ميشود كه متزلزلين بر عهد رخنه مينمايند و ضعفا را متزلزل ميكنند حال وقت تأسيس است نه زمان ترتيب "ثبوت العرش ثم انقش" مثل مشهور است آنحضرت احباً را اگاه نمايد كه حال اين گونه اختلافات مثل سم نقيع و



ORIGINAL



AUDIO

زهر سریع است ناقضین بجمال قوت در هدم بنیان پیمان ساعی و شما که الحمد لله ثابت و راسخید شب و روز باید در اتحاد و اتفاق و قطع ریشه شقاق بکوشید و اگر چنانچه مابینت جزئی در مسائل فرعیّه حاصل گردد پاپی یکدیگر نشوید و اصرار در رأی ننمائید بجمال محبت و یگانگی بدون افسرده گی نفسی اختلاف زائل و ائتلاف حاصل میگردد

در مسئله تحیت این چهار تحیت از حضرت اعلی روحی له الفداست و مقصد از هر چهار جمال قدم روحی لاحبائه الفداست نه دون حضرتش و اجراء هر چهار جائز و نصّ مانع از تلفظ یکی از اینها موجود نه پس اگر نفسی هر يك را تلفظ نماید از دین الله خارج نگردد و مورد لوم و طعن و ذمّ و قدح نشود و تعرض و تحقیر جائز نه و اعتراض نباید نمود چه که هر چهار تحیت در کتاب الهی وارد ولی الیوم بانگ ملاً اعلی الله اهی است و روح این عبد از این نداء مهترّ هر چند مقصود از "الله اعظم" نیز جمال قدم روحی لاحبائه الفداست چه که او است اسم اعظم و نیر اعظم و ظهور اعظم اما این تحیت "الله اهی" کوس ربوبیت جمال غیب احدیت است که در قلب امکان تأثیر مینماید

ولی این اختلاف را بنوع بسیار خوشی بدون سرزنش احدی از میان بر دارید که مبدا اسباب احزان قلوب گردد و نفسی دیگری را ملامت نماید الیوم باید احبای الهی در نهایت خضوع و خشوع و محویت و فنا و فقر حقیقی و سکون و وقار باشند هیچیک بر دیگری اعتراض نکند و نجلتش نپسندد تا کلّ در ظلّ کلمه میثاق "اخوان علی سرر متقابلین" زیست نمایند در خصوص استعفا از دارالفنون مرقوم نموده بودید استعفا جائز نه ان شاء الله در دارالفنون رجال ذو فنون تربیت میگردند ع ع

